

فصلنامه اطلاع‌رسانی در حوزه نقد و تصحیح متون، نسخه‌شناسی و ایران‌شناسی

دوره سوم، سال ششم، شماره سوم و چهارم، پاییز - زمستان ۱۴۰۰ [انتشار: تابستان ۱۴۰۲]

سرسخن: بسی رنج درین سال سی / به احیای گنجینه پاریس • باقابه، پاتابه، پاتاره / علم‌نرف ساقی • یادداشت‌های شاهنامه‌شناسی (۳) / ابوالفضل غلصی • یادگار حضور امام رضا در مسجد جامع ساوه / صادالدين شيخ المکماي • رساله نخبة الورداء تأليف نصرالله دمازندى / قاسم قرب • استدراکاتی بر مقدمه چاپ عکسی تاریخ سیستان (۲) / حمیدرضا بابک / سلمان، اثر سزی • دمنیان، دوشمیان، دمنی / دومی / ج. ط. زند (سروش) • دیوان قزخی سیستانی با کتابت عبرت نایینی و حواشی ملک‌الشعراء بهار / محمود عالی‌پور • کتابچه چهل‌ستون شاه عباس، سرورده محمد بیگ فرصت / لافله بوجار • تصحیح قصیده بازمانده از شعوری کاشانی در جنگ ابن‌خاتون / علی کلمی • واژه «لُخْم» / محسن ناکرالمصنی «بونده» • آیا کتاب گشایش و زهائش نوشته ناصر خسرو است؟ / محمدرضا توکلی صابری • نقلی بر تصحیح کتاب بدایع اللوح / میلاد یگدلو • نقلی بر تصحیح کلیات عبید زاکانی به تصحیح محمدجعفر محجوب / محسن تریفی ضمیر • نگاهی به کتاب اقلیم مکتوب خدا / ریحانه بهبودی • پیشنهادی در جهت سامان‌دهی پایان‌نامه‌های حوزه تصحیح / سید محمدرضا ابرارالسود • آثار مصطفی عالی اقلندی / نصرانه صالحی • آنگ فلدزیویچ آکیموشکین (۱۷ فوریه ۱۹۲۹ - ۳۱ اکتبر ۲۰۱۰) / الکسی غیسانولین، ترجمه: محمادین کیوانی • گنج زری بود در این خاکدان؛ در گرمی داشت یاد و نام ی. ت. پ. دیروین (۱۹۳۱-۲۰۲۳) / علیرضا سیدغراب • نقلی بر نوشته علیرضا هاشمی زاهد درباره چاپ اخیر منظومه صراط‌المخبط / علی صفوی آوندله



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
مطبع: مرکز اسناد و کتابخانه ملی
تهران - خیابان انقلاب
پلاک ۱۱۸۲



۹۶ - ۹۷

فصلنامه اطلاع‌رسانی در حوزه نقد و تصحیح متون،
نسخه‌شناسی و ایران‌شناسی

دوره سوم، سال ششم، شماره سوم و چهارم
پاییز - زمستان ۱۴۰۰ [انتشار: تابستان ۱۴۰۲]

صاحب امتیاز:

مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب

مدیر مسئول و سردبیر: اکبر ایرانی

معاون سردبیر و سرویراستار: مسعود راستی‌پور

مدیر داخلی: یونس تسلیمی پاک

طراح جلد: محمود خانی

چاپ دیجیتال: میراث

نشانی مجله:

تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان دانشگاه و
ابوریحان، ساختمان فروردین (شماره ۱۱۸۲)، طبقه دوم.

شناسه پستی: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲

دورنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

www.mirasmaktoob.ir
gozresh@mirasmaktoob.ir

بها: ۶۰۰،۰۰۰ ریال

روی جلد: نگاره‌ای از کعبه در دستنویسی از شهنامه
سلطان سلیم، به شماره ۳۵۹۵ در مجموعه احمد ثالث
در کتابخانه موزه طویقایی سرایی، بی‌تاریخ. نسخه به
رسم خزانه کتب مرادخان بن سلیم خان (حک ۹۸۲ -
۱۰۰۳ ق) و در همین دوره کتابت شده‌است.

فهرست

سرخن

بسی رنج بردم درین سال سی / به احیای گنجینه پارسی ۵-۶

بستار

بافتابه/ بافتابه/ بافتاوه / علی‌اشرف صادقی ۷-۸

یادداشت‌های شاهنامه‌شناسی (۳) / ابوالفضل خطیبی ۹-۱۵

یادگار حضور امام رضا در مسجد جامع ساوه / عمادالدین شیخ‌الحکامی ۱۶-۱۸

رساله نخبة الوزراء تألیف نصرالله دماوندی / قاسم قریب ۱۹-۲۶

استدراکاتی بر مقدمه چاپ عکسی تاریخ سیستان (۲) / حمیدرضا (بابک) سلمانی؛ آرش سزی ۲۷-۲۹

دمنیان/ دومیان/ دمنی/ دومی / ج. ط. نژاد (سروش) ۳۰-۳۱

دیوان فرخی سیستانی با کتابت عبرت نائینی و حواشی ملک‌الشعراء بهار / محمود علی‌پور ۳۲-۴۱

کتابچه چهل ستون شاه عباس، سروده محمد بیگ فرصت / فاطمه بوجار ۴۲-۴۸

تصحیح قصیده بازمانده از شعوری کاشانی در جنگ ابن‌خاتون / علی کاملی ۴۹-۵۲

واژه «رُخْم» / محسن ذاکرالحسینی «پرنده» ۵۳-۵۷

آیا کتاب گشایش و رهایش نوشته ناصر خسرو است؟ / محمدرضا توکلی صابری ۵۸-۶۳

نقد و بررسی

نقدی بر تصحیح کتاب بدایع المُلح / میلاد بیگلر ۶۴-۷۸

نقدی بر تصحیح کلیات عبید زاکانی به تصحیح محمدجعفر محبوب / محسن شریفی صبحی ۷۹-۸۳

نگاهی به کتاب اقلیم مکتوب خدا / ریحانه بهبودی ۸۴-۹۲

پژوهش‌های دبایق

پیشنهادی در جهت سامان‌دهی پایان‌نامه‌های حوزه تصحیح / سید محمدرضا ابن‌الرسول ۹۳-۱۰۵

ایران در متون و منابع عثمانی (۳۴)

آثار مصطفی عالی افندی / نصرالله صالحی ۱۰۶-۱۰۸

آشنایی با سخنرسان و متن پژوهان (۶-۷)

آلگ فدر ویچ آکیموشکین (۱۷ فوریه ۱۹۲۹ - ۳۱ اکتبر ۲۰۱۰) / الکسی خیسماولین؛ ترجمه: مجدالدین کیوانی ۱۰۹-۱۱۳

گنج زری بود در این خاکدان؛ در گرامی‌داشت یاد و نام ی. ت. پ. دبروین (۱۹۳۱-۲۰۲۳) /

علی‌اصغر سید غراب ۱۱۴-۱۲۳

دبایق نوشته‌های به‌مشین

نقدی بر نوشته علیرضا هاشمی نژاد در باره چاپ اخیر منظومه صراط‌الخط / علی صفری آق‌قلعه ۱۲۴-۱۳۰



دکتر شهرام آزادیان

(هجدهم آذر ۱۳۵۲ - بیست و دوم تیر ۱۴۰۲)

درگذشت ناگهانی دکتر شهرام آزادیان، استاد دلسوز گروه ادبیات فارسی دانشگاه تهران، موجب دریغ و افسوس بسیار شد و همکاران و شاگردان او را در اندوهی گران فرو برد. گزارش میراث خود را در غم ایشان شریک می‌داند و برای خانواده و دوستان او آرامش و بردباری آرزو می‌کند.
یادش گرمی و روانش قرین آرامش باد.

معنی چنین: «ای معشوق زیبا! خط بر میاور و مرا غمگین مکن». رقم بنفشه بر رخام ناظر به رنگ جوهری رگه‌هایی است که بر روی آن ظاهر می‌شود، و بر روی معشوق استعاره از خط (موی نورسته پشت لب)، و بر روی ماه کنایه از کَلَف (گرفتگی جزئی ماه) است.

وقتی از این معنی (یعنی تخفیف رخام به صورت رخم) با استاد علی‌اشرف صادقی تلفنی سخن گفتم (توضیح: در گفت‌وگوی مذکور مخفّف رُخام به صورت رُخَم تلفظ می‌شد)، ایشان گفتند چنین مخفّفی نادر است و نمونه دیگر آن را فقط در پیغامبر و پیامبر یافته‌اند که به صورت پیغمبر و پیغمبر مخفّف می‌شوند.

نخست به نظر می‌رسد که مخفّف رُخام، بنا بر قاعده تبدیل مصوّت بلند به مصوّت کوتاه، باید رُخَم باشد؛ اما به زعم من در این کلمه و نیز در پیغامبر و پیامبر مصوّت بلند «ا» به مصوّت کوتاه فتحه بدل نشده، بلکه تخفیف آن‌ها به گونه دیگر و بر اثر دو ویژگی صورت گرفته است: نخست آن که الف آن‌ها مصوّتی بوده که تلفظی نزدیک به ضمه داشته است، سپس آن الف از خط حذف و به مصوّت ضمه، که معمولاً نوشته نمی‌شود، بدل شده است. این مصوّت (الف با تلفظ نزدیک به ضمه، معمولاً در هجای آخر کلمه، و معمولاً پیش از دو صامت «م» و «ن») هنوز در تاجیکستان و بعضی از مناطق ایران، به‌ویژه در خراسان، زنده و رایج است، و مثلاً کلماتی مانند بام، خام، شام، کام، حرام، غلام، تمام، کلام، آرام، بادام، نان، جان، روان، کلان، فلان، گمان، قران (واحد پول)، آسان، ارزان، باران، مهمان، آسمان، زعفران، روضه‌خوان، زمستان، تابستان، بادنجان، و باباکلان (پدر بزرگ) در گویش اصیل نیشابور به صورت بُم (نیز: بُمب)، خُم، شُم، کُم، حُرُم، غُلُم، تُمُم، کُلُم، آرُم، بادُم، نُن (نیز: نُ)، جُن (نیز: جُ)، رُوُن (نیز: رُو)، کُلُن (نیز: کُلُ)، فُلُن، گُمُن، قُرُن (نیز: قُرُ)، آسُن، ارزُن (نیز: آرُ)، بارُن (نیز: بارُ)، مِهْمُن (نیز: مِهْمُ، مِیْمُن، مِیْمُ)، آسْمُن (نیز: آسُمُ)، زَعْفُرُن (نیز: زَعْفُرُ)، رُوْضَه خُن، زمیْسْتُن (نیز: زمیْسْتُ)، تابِسْتُن (نیز: تَویْسْتُن، تَویْسْتُ)، بادُنْجُن (نیز: بادُنْجُ، بانْجُ)، و باباگُلُن (نیز: باباگُلُ، باب کُلُ) تلفظ می‌شود.^۱ همین ضمه

۱. در بعضی از کلمات، به‌ویژه آن‌ها که هجای ماقبل آخرشان کوتاه باشد، مصوّت هجای قبل نیز با مصوّت آخر وفق می‌یابد.

واژه «رُخَم»

محسن ذاکرالحسینی «پرنده»

فرهنگستان زبان و ادب فارسی

امیر معزّی نیشابوری (د. ۵۱۸-۵۲۱ق) ترکیب‌بندی دارد که در بند ششم آن آمده است:

ای ماه بر رخم ز بنفشه رقم مکن
اشکم چو رنگِ خویش چو آبِ بَقَم مکن
... آن را که یارِ توست عدیلِ عنا مدار
وآن را که جفّتِ توست ندیمِ نَدَم مکن

(معزّی نیشابوری، ۱۳۱۸: ۷۴۳-۷۴۴)

در هر دو چاپ دیوان امیر معزّی، چاپ مصحّح عباس اقبال آشتیانی (تهران ۱۳۱۸) و چاپ بازاری ناصر هیّری (تهران ۱۳۶۲)، کلمه رخم در مطلع مذکور بند ششم نامشکول و بدون هیچ توضیحی ضبط شده و در لغت‌نامه آخر چاپ هیّری نیامده است و دیگر پژوهشگران نیز در آن تأمل نکرده‌اند. لابد آنان کلمه را رُخَم خوانده و آن را مرگب از «رُخ» (وجه، رخسار) و «م» (ضمیر ملکی) پنداشته‌اند؛ حال آن‌که این معنی مناسب مقام نیست و، با این پندار، بیت مفهوم موجّهی ندارد.

رخم در این شعر امیر معزّی باید مخفّف رُخام (مرمر گچی) باشد که ظاهراً از فرهنگ‌ها فوت شده و، به شرحی که گفته خواهد شد، تلفظ ارجح آن رُخَم (به ضمتین) است. در این صورت تفسیر بیت امیر معزّی چنین است: «ای معشوق مانند ماه زیبا! بر رخساره همچون رخام سفید خویش از خط نورسته همچون بنفشه سیاه چیزی رقمی مکن (منویس) و از غم خط برآوردن خود اشک مرا مانند رنگ روی خود به سان آب بقم سرخ (خونین) مکن» و حاصل

است که در گویش امروز تهران اشباع و به مصوّت بلند «و» تبدیل شده است و چنین کلماتی به صورت بوم، خام (بدون تغییر)، شوم، کام (بدون تغییر)، خروم، غلوم، تموم، گلوم، آروم، بادوم، نون، جون، زوون، گلون، فلون، گمون، قرون، آسون، آرزون، بارون، مهمون، آسیمون، زعفرون، روضه خون، زمستون، تابستون، و بادمجون تلفظ می شود. پس چند واژه انگشت شماری که الف ضمّ آهنگ آن‌ها در کتابت حذف شده است، مصوّت پیش از «م» در صورت مخفّف آن‌ها باید ضمّه باشد نه فتحه، و کلمات پیش گفته را باید رُخَم، پیغمبر و پیغمبر تلفظ کرد.^۲ اتفاقاً همین کلمه پیغام و نیز پیغامبر در گویش امروز نیشابور هنوز با تلفظ پیغم و پیغمبر متداول و مانوس است.

قراینی هم هست (مانند تلفظ متداول امروزی و هم‌آهنگی رُخَم با رَقَم و بَقَم در بعضی از شواهد منظوم، از جمله در همان شعر امیر معزی) که با توجه به آن‌ها احتمال تلفظ واژه‌های مذکور با مصوّت فتحه، لابد فقط در بعضی مناطق و در بعضی ادوار تاریخی، به طور کلی منتفی نمی شود؛ اما آن باید نتیجه تغییری سپسین باشد و از ابدالی سوم (یعنی تغییر ضمّه به فتحه) حاصل شده باشد.

دلیل دیگری که بر درستی ضمّه حرف دوم رخم رهنمون ماست، آن است که شاعران میان رخم (مخفّف رُخام، به معنای مرمر) با رخم (رُخ + م، به معنای «رخ من»)، که اتفاقاً دومی در گستره قابل توجهی از ادوار تاریخی زبان فارسی با مصوّت ضمّه پیش از ضمیر ملکی و به صورت رُخَم تلفظ می شده است،^۳ رابطه جناس تام یا ایهام برقرار می کرده اند؛ چنان که شواهد آن یاد کرده خواهد شد.

چندان که جستهم، واژه رخم هیچ جا در موضع قافیه قرار نگرفته است و این باید از آن روی باشد که شمار

۲. گویا از همین سنخ است (با حذف الف پیش از «ن») تَبِنچه به جای تپانچه در این بیت انوری:

رخم ز دیده پر از خال‌های شنگرفی بر از تَبِنچه پر از شاخ‌های نیلوفر
(انوری ابیوردی، ۱۳۴۰: ۱۹۵/۱)

۳. دستور تاریخی زبان فارسی نشان می دهد که رُخَم (به معنای رُخ من)، که امروزه در گفتار رسمی به صورت رُخَم (با فتحه پیش از ضمیر) تلفظ می شود، تلفظ قیاسی آن باید رُخَم (با کسره پیش از ضمیر) باشد، اما ظاهراً شاهد مؤیدی ندارد؛ حال آن که تلفظ رُخَم (با ضمّه پیش از ضمیر)، جز آن که اصلتش از طریق متون تأیید می شود، هنوز در بعضی از گویش‌های اصیل فارسی زنده و رایج است.

واژه‌های هم‌قافیه رُخَم محدود است و مناسب قصیده نیست، وگر نه قصاید بسیار هست که حرف روی در قوافی آن‌ها میم ماقبل مفتوح است و بعید به نظر می رسد که تلفظ این واژه زیبا و مضمون ساز به صورت رُخَم مانوس می بوده و نادیده گرفته شده باشد. همچنین ضبط رُخَم (به ضمّین) در فرهنگ‌ها به معنای «پاره‌ای از فله»^۴ قرینه دیگری بر صحّت تلفظ مذکور تواند بود.

رُخام به معنای مرمر گچی است که نرم و سفید است و شواهد منظوم بسیار حاکی از آن است که بر روی آن می نوشته اند و شاعران رُخ (به ویژه رخ معشوق) و گاه سینه یا سرین را به لحاظ سفیدی و نرمی بدان تشبیه می کرده، و در بسیاری از موارد با رُخَم (مخفّف رُخام، به معنای «مرمر») و رُخَم (رخ + مصوّت + م، به معنای رخ من) جناس تام یا ایهام می ساخته اند.

در ادبیات فارسی، ویژگی‌های فیزیکی رُخام (بیش تر از طریق صورت مخفّف آن، یعنی رخم) مورد توجه شاعران قرار گرفته است. آن ویژگی‌ها، که از فرهنگ‌ها و از شواهد منظوم استنباط می شود، این‌هاست:

۱. در فرهنگ‌ها آن را از جنس گچ شمرده اند که شاید، به طور دقیق تر، از جنس آهک بوده است؛
 ۲. معمولاً به صورت لایه‌هایی فشرده و مسطح در دسترس بوده است که به جای لوح به کار می برده اند؛
 ۳. چندان سخت بوده است که اجزای آن از هم نپاشد، و چندان نرم بوده است که از آن برای نوشتن بتوانند استفاده کنند؛
 ۴. مایه اصلی رنگ آن سفید بوده است؛
 ۵. رنگ بعضی از انواع آن اندکی به زردی یا به سیاهی متمایل بوده است؛
 ۶. علاوه بر استفاده از رُخام طبیعی، گویا برای مصرف نوشتن نوع مصنوعی آن را نیز می ساخته اند؛
 ۷. برای ساخت آن، آب بر روی گچ یا آهک می ریخته اند؛
 ۸. هنگام ساخت، در مرحله ترکیب آب با گچ یا آهک،
۴. به مشابهت ویژگی‌های «رخم» با سپیدی و غلظت و نرمی فله توجه کنید.

ای ماه بر رخم ز بنفشه رقم مکن
اشکم چو رنگِ خویش چو آبِ بقم مکن
در این بیت رخم (رخام) استعاره از رخسار سفید معشوق
است، و از این بیت سفیدی رخام و نوشتن (رقم کردن) بر
آن و سرخی افزودن بر رخام با آب بقم استنباط می‌شود.

• جمال‌الدین اصفهانی (۱۳۶۲: ۱۸۸):

رخم چو آبی زرد است و بر وی از غم گرد
فسرده از دم سرد اشک من چو دانه نار
در این بیت رخم (رخ من) یادآور معنای دیگر رخم (رخام)
است، و از بیت زردی رخام و خاک پاشیدن و سرخی (دانه
نار) افزودن بر آن استنباط می‌شود.

• سنایی غزنوی (۱۳۶۴: ۹۱۰):

تا آبِ رخم فراق تو ریخت
آمد دل من ز درد در جوش
در این بیت رخم (رخ من) یادآور معنای دیگر رخم (رخام)
است که در این معنی با «جوش» ایهام تناسب دارد، و از
بیت آب ریختن بر رخام و جوشیدن آن استنباط می‌شود.

• نظامی گنجوی (۱۳۴۳: ۴۲):

هرچند ز چشم زردگوشان
سرخ است رخم ز خون جوشان
در این بیت رخم (رخ من) یادآور معنای دیگر رخم (رخام)
است که در این معنی با «سرخ» و «جوشان» ایهام تناسب
دارد، و از بیت سرخی رخام و جوشیدن آن استنباط می‌شود.

• انوری ابیوردی (۱۳۴۰: ۱۹۵/۱):

رخم ز دیده پر از خال‌های شنگرفی
بر از تپنچه پر از شاخ‌های نیلوفر
در این بیت رخم (رخ من) یادآور معنای دیگر رخم (رخام)
است، و از بیت سرخی (خال‌های شنگرفی) افزودن بر آن
استنباط می‌شود.

• شاعر نامعلوم (عوفی، ۱۹۰۶م: ۹۵/۱):

ای رخ تو همچو خور تا چند پرسی کاین رخم
بزمگاه پادشا را نیک درخور هست؟ هست
در این بیت رخم (رخام) به معنای دیگر رخم (رخ من) ایهام

حالت جوشیدن پیدا می‌کرده است؛

۹. گاه، هنگام ساخت، ماده‌ای زرد رنگ (احتمالاً زرنیخ یا
زعفران) یا سرخ‌رنگ (ظاهراً آب بقم) بر آن می‌افزوده‌اند؛
۱۰. در آخرین مرحله ساخت، خاکی بسیار نرم بر روی آن
می‌پاشیده‌اند.^۵

بعضی از شواهدی که ویژگی‌های مذکور از آن‌ها استنباط
می‌شود این‌هاست:

• قطران تبریزی (۱۳۶۲: ۲۹۹):

از سینه حریری دارد رخم زیری
هست آن بت سریری فخر بتان کاشان
در این بیت رخم (رخام) به معنای دیگر رخم (رخ من) ایهام
دارد، و از بیت نرمی و سفیدی (در سینه معشوق) و زردی
(در رخسار عاشق) رخام استنباط می‌شود.

• مسعود سعد سلمان (۱۳۶۲: ۶۷۴):

مانا که رخم ز زین کردی ز فراق
کردی ز رخم طُرف و نشانندی به کمر بر
در این بیت میان رخم اول (رخ من) با رخم دوم (رخام) جناس
تام، و رخم دوم استعاره از سرین معشوق است، و از بیت
سفیدی (و شاید زردی) و نرمی رخام استنباط می‌شود.

• مسعود سعد سلمان (۱۳۶۲: ۵۳۰):

بنگاشت مژه بر دو رخم راز دل ار نه
گی بر دو رخ از خون دو دیده رقمستی؟
در این بیت رخم (رخ من) یادآور معنای دیگر رخم (رخام)
است، و از بیت سرخی رخام و نوشتن (نگاشتن رقم) بر آن
استنباط می‌شود.

• ابوالفرج رونی (۱۳۴۷: ۱۹۸):

جز آب دو دیده می‌نشوید
خاکی که زمانه بر رخم ریخت
در این بیت رخم (رخ من) یادآور معنای دیگر رخم (رخام)
است، و از بیت آب ریختن (شستن) و خاک ریختن بر
رخام استنباط می‌شود.

• امیر معزی نیشابوری (۱۳۱۸: ۷۴۳):

۵. بیش‌تر این ویژگی‌ها را هنوز در کارگاه‌های ساختمانی می‌توان به چشم دید.

در این بیت رخم (رخ من) به معنای دیگر رخم (رخام) ایهام دارد، و از بیت سفیدی رخام و نوشتن (رقم زدن) بر روی آن استنباط می‌شود (هند و ظاهراً مردمک چشم است که از رخسار مانند رخام سفید شاعر، به جای تخته سیاه، برای نوشتن استفاده می‌کند).

• امیر خسرو دهلوی (۱۳۸۷: ۱۳۳):

گریه امروز نمی‌ایستدم کاندلر خواب
دیده‌ام شب که رخم گویی بر روی کسی است

در این بیت رخم (رخ من) به معنای دیگر رخم (رخام) ایهام دارد، و از بیت آب ریختن (گریه) بر رخام استنباط می‌شود.

• جامی (۱۳۷۸: ۳۳۸):

بر بیاضِ رخم محرّز اشک
قصّه دردِ انتظار نوشت

در این بیت رخم (رخ من) به معنای دیگر رخم (رخام) ایهام دارد، و از بیت سفیدی (بیاض) رخام و نوشتن بر روی آن استنباط می‌شود.

• فضولی بغدادی (بی تا: ۳۵۰):

در درونم دل مگر بگداخت کامشب دیده را
بر رخم خونابه از اندازه بیرون می‌چکد

در این بیت رخم (رخ من) یادآور معنای دیگر رخم (رخام) است، و از بیت گداختن رخام و سرخی افزودن بر آن استنباط می‌شود.

• کلامی اصفهانی (اوحدی بلیانی، ۱۳۸۹: ۱۶/۳۶۱۶):

تا کبودی‌های سنگش بر رخم مانند نهد
از سرشکِ لاله‌گون رخسارِ خود گلگون کنم

در این بیت رخم (رخ من) در معنای ثانوی رخم (رخام) با «سنگ» ایهام تناسب دارد، و از بیت سرخی افزودن (گلگون کردن) بر رخام استنباط می‌شود.

• حزین لاهیجی (۱۳۷۴: ۷۸۸):

تا چند ز اشک بر رخم رنگ آید؟
مینای حیات به که بر سنگ آید

در این بیت رخم (رخ من) در معنای ثانوی رخم (رخام) با «سنگ» ایهام تناسب دارد، و از بیت رنگ (سرخ) افزودن بر رخام استنباط می‌شود.

دارد و استعاره از آن نیز تواند بود، و از بیت سفیدی یا زردی رخام استنباط می‌شود.

• عطار نیشابوری (۱۳۴۵: ۲۶۲):

بی رُخت بر رخم نوشت به خون
دیده هر راز دل که پنهان بود

در این بیت رخم (رخ من) به معنای دیگر رخم (رخام) ایهام دارد و از بیت سرخی رخام و نوشتن بر روی آن استنباط می‌شود.

• عطار نیشابوری (۱۳۴۵: ۴۳۱):

چو ز کار شد زبانم بروم به پیشِ خلّقی
غم تو به خون دیده همه بر رخم نگارم

در این بیت نیز رخم (رخ من) به معنای دیگر رخم (رخام) ایهام دارد، و از بیت سرخی رخام و نوشتن (نگاشتن) بر روی آن استنباط می‌شود.

• مولانا جلال‌الدین بلخی (۱۳۶۰: ۱۲/۲):

بیخ دل از صفرای او می‌خورد زد زردی به رخ
چون دید عشقش بر رخم زد بر رخم آن شه رقم

در این بیت میان رخم اوّل (رخ من) با رخم دوم (رخام) جناس تام، و رخم دوم استعاره از رخسار عاشق است، و از بیت زردی رخام و نوشتن (رقم زدن) بر روی آن استنباط می‌شود.

• مولانا جلال‌الدین بلخی (۱۳۶۰: ۲۳۸/۲):

بر رخم خطی نبشت و من نهدان می‌داشتم
زین سپس پنهان ندارم هر که خواند گو بخوان

در این بیت رخم (رخ من) به معنای دیگر رخم (رخام) ایهام دارد، و از بیت نوشتن بر روی رخام استنباط می‌شود.

• سیف فرغانی (۱۳۴۶: ۷۰۶):

ز چشم بر رخم از عشق آن دو لاله تر
مدام آبِ بقم خورده زعفرانی خشک

در این بیت رخم (رخ من) یادآور معنای دیگر رخم (رخام) است که در این معنی با «آب بقم» ایهام تناسب دارد، و از بیت سرخی افزودن بر رخام با آب بقم استنباط می‌شود.

• امیر خسرو دهلوی (۱۳۸۷: ۸۵۹):

سیاه تخته هندو بود سفید رخم
تواز [ظ: بر] سیاهی هند از سفیدی رقمی

- (چاپ افست از روی چاپ آنکارا، ۱۹۶۲م).
 - قطران تبریزی، ابومنصور (۱۳۶۲). دیوان. به کوشش محمد نخجوانی. تهران: ققنوس.
 - مسعود سعد سلمان (۱۳۶۲). دیوان. به کوشش غلامرضا رشید یاسمی. تهران: امیرکبیر.
 - امیر معزی نیشابوری، ابو عبدالله محمد بن عبدالملک (۱۳۱۸). دیوان. به کوشش عباس اقبال آشتیانی. تهران: کتابفروشی اسلامیّه.
 - _____ (۱۳۶۲). دیوان. به کوشش ناصر هیّری. تهران: مرزبان.
 - مولانای بلخی، جلال الدّین محمد (۱۳۶۰). دیوان شمس تبریزی. تهران: سازمان انتشارات جاویدان.
 - نظامی گنجوی، جمال الدّین ابومحمد الیاس (۱۳۴۳). لیلی و مجنون. به کوشش حسن وحید دستگردی. تهران: علمی.

در ادب فارسی بسیاری اشعار دیگر هست که در آن‌ها زخم با یکی دو از این معانی همراه است، اما از همه آن‌ها به‌طور قطع معنای رخام استنباط نمی‌شود و مستقیماً بدان ایهام ندارد؛ با این حال، اگر خواننده مضامین شواهدی را که گذشت پیش چشم دارد، پس از اندک تأمل درمی‌یابد که سراینندگان آن اشعار، غالباً، رخام و ویژگی‌های آن را در نظر داشته‌اند.

منابع

- ابوالفرج رونی (۱۳۴۷). دیوان. به کوشش محمود مهدوی دامغانی. مشهد: کتابفروشی باستان.
 - امیر خسرو دهلوی، ناصرالدّین بن محمود (۱۳۸۷). دیوان. به کوشش محمد روشن. تهران: انتشارات نگاه.
 - انوری ایبوردی، اوحدالدّین (۱۳۴۰). دیوان. به کوشش محمدتقی مدرّس رضوی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
 - اوحدی بلیانی، تقی الدّین محمد (۱۳۸۹). عرفات العاشقین و عرصات العارفین. به کوشش ذبیح‌الله صاحبکاری و آمنه فخراحمد، با نظارت علمی محمد قهرمان. تهران: میراث مکتوب.
 - جامی، نورالدّین عبدالرحمان (۱۳۷۸). دیوان (ج ۱)، فاتحه الشّباب). به کوشش اعلاخان افصح‌زاد. تهران: میراث مکتوب - مرکز مطالعات ایرانی.
 - جمال الدّین اصفهانی، محمد بن عبدالرزاق (۱۳۶۲). دیوان. به کوشش حسن وحید دستگردی. تهران: سنایی.
 - حزین لاهیجی، محمدعلی (۱۳۷۴). دیوان. به کوشش ذبیح‌الله صاحبکار. تهران: میراث مکتوب.
 - سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم (۱۳۶۴). دیوان. به کوشش محمدتقی مدرّس رضوی. تهران: سنایی.
 - سیف فرغانی، سیف الدّین ابوالمحمّد محمد (۱۳۶۴). دیوان. به کوشش ذبیح‌الله صفا. تهران: انتشارات فردوسی.
 - عطّار نیشابوری، فریدالدّین محمد (۱۳۴۵). دیوان. به کوشش تقی تفضلی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
 - عوفی، نورالدّین محمد بخاری (۱۹۰۶م). لباب الالباب. به کوشش ادوارد گرانویل براون و محمد قزوینی. لندن - لیدن: لوزاک و شرکا - مطبعه بریل.
 - فضولی بغدادی، محمد بن سلیمان (بی‌تا). دیوان. به کوشش حسیه مازی اوغلی. تهران: انتشارات دوستان

گزارش‌ها

Table of Contents

Editorial

In Thirty Years, I've Withstood Great Misery's Thrust/ To Save Persian literature, a Treasure Robust 5-6

Articles

Bāftāba/ Pāftāba/ Pāftāwa / Ali Ashraf SADEGHI 7-8

Shahname Studies Notes III / Abolfazl KHATIBI 9-15

A Relic of Imam Reza's Presence in the Great Mosque of Sāveh / Emadoddin SHEYKHOLHOKAMAEI 16-18

Nukhbat al-Wuzarā Treatise, Penned by Naṣr Allāh-i Damāwandī / Ghasem GHARIB 19-26

A Few Remarks on the Introduction of the Facsimile Edition of *Tārīkh-i Sīstān* II / HamidReza (Babak) SALMANI; Arash SERRI 27-29

Dumanīān/ Dūmanīān/ Dumanī/ Dūmanī / J. T. NAJAND (Soroush) 30-31

The *Dīvān* of Farrukhī-yi Sīstānī Copied by 'Ebrat-e Nā'īmī, Annotated by Malek al-Šo'arā Bahār / Mahmoud ALIPOUR 32-41

The Inscription of Shah 'Abbās II's Chihil Sutūn, Composed by Muḥammad Bayg-i Furṣat / Fatemeh BOUJAR 42-48

Editing of an Extant Qaṣīde by Šu'ūrī-yi Kāšānī in the Anthology of Ibn-i Khātūn / Ali KAMELI 49-52

On the Word *Rukhum* / Mohsen ZAKEROLHOSEYNI "Parand" 53-57

Did Nāṣir-i Khusraw write *Gušāyīš wa Rahāyīš* (Knowledge and Liberation)? / MohammadReza TAVAKKOLI SABERI 58-63

Reviews and Critiques

A Review of the Edition of *Badāye' al-Mulah* (Droll Novelties) / Milad BIGDELOU 64-78

A Review of the *Kullīyyāt-i* (collected works of) 'Ubayd-i Zākānī Edited by Mohammad Jafar Mahjoub / Mohsen SHARIFI SAHI 79-83

A Look at *The written world of God* / Reyhane BEHBOUDI 84-92

Essays on Research

A Proposal for Organizing Dissertations on Text Editing / Seyyed MohammadReza EBNORRASOUL 93-105

Iran in Ottoman Texts and Sources (25)

Works of Mustafa 'Āli Efendi / Nasrollah SALEHI 106-108

Introducing Codicologists and Textual Scholars (6-7)

Oleg Fedorovich Akimushkin / Majdoddin KEYVANI 109-113

A Shining Gem in This Earthly Sphere: In memory of J.T.P De Bruijn / AliAsghar SEYED-GOHRAB 114-123

On the Previous Articles

A Response to AliReza Hasheminejad's Review of the New Edition of *Širāf al-Khaṭf* (The Principle of Calligraphy) / Ali SAFARI AQ-QALEH 124-130